



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

خلاصہ

زندگانی

امیر المؤمنینؑ (ع)

تألیف: سید ہاشم رسولی محلاتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام

نویسنده:

محمد رضا جوادی

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	طلوع خورشید از مشرق کعبه
۷	پیوند دو گوهر
۷	ثمره نخل ولایت
۸	حماسه غدیر
۸	افول خورشید نبوت و آغاز فتنه ها
۹	طوفان مصیبت
۹	علی و پایداری در کشاکش دوران خلافت
۱۰	بیعت و کرسی امامت
۱۰	رویارویی با ناکثین و فاجعه جمل
۱۱	واقعه صفین
۱۱	مواجهه با مارقین و غوغای نهر روان
۱۱	غروب خورشید در مغرب سجدگاه
۱۲	حق گرای
۱۲	لیله المبیت
۱۳	جمع آوری کتاب الهی و احادیث پیامبر خدا
۱۳	رشادت ها
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رسولی هاشم ۱۳۰۸ -  
 عنوان قرارداد: زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام برگزیده  
 عنوان و نام پدیدآور: خلاصه زندگانی امیرالمؤمنین (ع) / تالیف هاشم رسولی محلاتی؛ تلخیص محمدرضا جوادی.  
 مشخصات نشر: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۸۵.  
 مشخصات ظاهری: ۶۲ ص.؛ ۲۱×۱۰/۵ س.م.  
 فروست: خلاصه‌ها ۲.  
 شابک: ۳۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۴۳۰-۳۹۲-X  
 یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان «زندگانی امیرالمؤمنین (ع)» توسط همین ناشر در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است.  
 یادداشت: چاپ دوازدهم: ۱۳۸۵ (در انتظار فهرست نویسی).  
 یادداشت: چاپ یازدهم.  
 یادداشت: کتاب حاضر خلاصه کتاب تحت عنوان "زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته همین مولف است.  
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- سرگذشته  
 شناسه افزوده: جوادی محمدرضا، ۱۳۴۷ -  
 شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی  
 رده بندی کنگره: BP۳۷/۳۵/ز۵۱۳/۹۰ ۱۳۸۵  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۳۹۵۴۰

### طلوع خورشید از مشرق کعبه

امیرمؤمنان از صلب پدری چون ابوطالب دیده به جهان گشود.

ابوطالب بزرگ بطحاء و رئیس بنی هاشم بود. سراسر وجود او، کانونی از سماحت و بخشش، عطوفت و مهر، جانبازی و فداکاری در راه آئین توحید بود.

مادر وی فاطمه، دختر اسد فرزند هاشم است. وی از نخستین زنانی است که به پیامبر ایمان آورد و پیش از بعثت از آیین ابراهیم پیروی می‌کرد. او به هنگام شدت یافتن درد زایمان راه مسجدالحرام را پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت:

خداوند، به تو و پیامبران و کتابهایی که از طرف تو نازل شده اند و نیز به سخن جدّم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم. پروردگارا، به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت و به حق کودکی که در رحم من است، تولد این کودک را بر من آسان فرما.

لحظه ای نگذشت که فاطمه به صورت اعجاز آمیزی وارد خانه خدا شد و در آنجا علی علیه السلام به دنیا آمد.

## پیوند دو گوهر

چند سال از هجرت پیغمبر می‌گذشت و علی هنوز کشتی زندگی را خود به تنهایی در دریای حوادث ناخدائی می‌کرد اما دیگر وقت آن شده بود که این روح بزرگ و طوفانی در کنار انیسی مهربان لحظاتی را بیاساید لکن کدامین روح می‌توانست با وی همگام شود و کدامین دل توان آن را داشت که این شیر خشمگین و غران روزهای نبرد با کفار و زاهد غمگین و گریان شبهای تار را در خود بگنجانند و از هم نگسلد جان و دلی علی گونه می‌بایست که همچون او از سرچشمه زلال وحی سیراب شده و به خود بالیده باشد و او کسی جز فاطمه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود.

فاطمه علیها سلام خواستگاران بسیاری از اشراف و غیر اشراف نظیر ابوبکر و عمر و عبدالرحمن بن عوف داشت اما پیامبر در جواب همه آنان فرموده بود:

در امر ازدواج فاطمه منتظر وحی الهی هستم

تا این که سرانجام علی علیه السلام در خانه رسول الله را کوبید پیامبر به ام سلمه فرمود بر خیز و در را بگشا که محبوب خدا و رسول پشت در است. ام سلمه در را گشود و علی علیه السلام وارد شد و در حضور پیامبر نشست و ساکت و آرام سر به زیر افکند پیامبر از سکوت علی همه چیز را فهمید و فرمود گویا حاجتی داری و علی علیه السلام حاجتش را گفت. پیامبر برخاست و به نزد زهرا رفت و فرمود دخترم من همواره از خدا می‌خواستم که تو را به عقد بهترین مخلوق خود در آورد و اکنون او به خواستگاری تو آمده چه پاسخ می‌دهی؟

فاطمه سکوت کرد اما سکوتش چنان پرمعنا و گویا بود که پیامبر لب به تکبیر گشود و فرمود:

سکوت دخترم نشانه رضای اوست و چگونه می‌توانست راضی نباشد که خدا خود به محمد صلی الله علیه و آله فرموده: اگر علی را نمی‌آفریدم در روی زمین همشانی برای فاطمه نبود.

پس از مراسم خواستگاری و عقد، علی علیه السلام زره خود را فروخت و پیامبر پول آنرا به عده ای از اصحاب داد تا برای زندگی فاطمه و علی اثاثیه تهیه نمایند و چون اثاثیه منزل فاطمه را به حضور رسول خدا آوردند فرمود خداونداندا زندگی را بر گروهی که بیشتر ظروف آنان سفال است مبارک گردان.

هنگامی که زفاف فاطمه فرا رسید پیامبر در حق هر دو دعا کرد و بدینسان زندگی زناشویی علی و فاطمه آغاز شد.

## نمره نخل ولایت

پیوند فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام نه تنها وصال دو روح همدرد و همگام شدن دو آشنای خدا گونه با یکدیگر در طریق زندگی بود که جهان آفرین نیز سرنوشت را چنین رقم زده بود که وجود محمد صلی الله علیه و آله در وجود این دو شاگرد ممتاز مکتب وحی استمرار یابد و کوثر پربرکتش از میان آن دو تن بجوشد و از آمیختن آن دو دریای عصمت و عفت گوهرهائی برون گردند که تا قیامت نور محمد صلی الله علیه و آله را بر جهانیان بتابانند و حاصل این پیوند مبارک چهار فرزند شد به نامهای:

حسن علیه السلام

حسین علیه السلام

زینب کبری سلام الله علیها

زینب صغری (ام کلثوم) سلام الله علیها

و پنجمی ... دیگر قلم را یارای نوشتن نیست

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

### حماسه غدیر

سال دهم هجرت بود و پیامبر از آخرین سفر حج خود باز می‌گشت، گروه انبوهی که تعدادشان را تا صدویست هزار رقم زده اند او را بدرقه می‌کردند تا این که به پهنه بی‌آبی به نام غدیر خم رسیدند.

نیم روز هیجدهم ذی‌الحجه بود که ناگهان پیک وحی بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نازل شد و از جانب خدا پیام آورده که: «ای رسول آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده به گوش مردم برسان و اگر چنین نکنی رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از گزند مردمان حفظ خواهد کرد»

پیامبر دستور توقف دادند و همگان در آن بیابان بی‌آب و در زیر آفتاب سوزان صحرا فرود آمدند. منبری از جهاز شتران برای پیامبر ساختند و رسول خدا بر فراز آن رفته و روی به مردم کردند. ابتدا خدای را سپاس فرموده و از بدیهای نفس اماره به او پناه جست و فرمود:

ای مردم بزودی من از میان شما رخت بر می‌بندم من مسئولم و شما نیز. آیا درباره من چه می‌اندیشید جمعیت نیکو جواب دادند و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از آنان اقرار به یگانگی خداوند در رسالت خویش و حقانیت روز رستاخیز گرفت و جمعیت اقرار نمودند. آنگاه فرمود:

من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم یکی ثقل اکبر که کتاب خداست و دیگری ثقل اصغر که اهل بیت منند. مردم، بر آنان پیشی نگیرید و از آنان عقب نمانید. آن گاه دست علی علیه‌السلام را در دست گرفت و آن قدر بالا برد که همگان او را در کنار رسول خدا دیدند و شناختند سپس فرمود:

خداوند مولای من و من مولای مومنان هستم و بر آنها از خودشان سزاوارترم. ای مردم هر کس که من مولا و رهبر اویم این علی هم مولا و رهبر اوست و این جمله را سه بار تکرار کرد و چنین ادامه داد:

پروردگارا دوستان علی را دوست بدار و دشمنان او را خوار. خدایا علی را محور حق قرار ده و سپس فرمود:

لازم است حاضران این خبر را به غایبان برسانند. هنوز اجتماع به حال خود باقی بود که دوباره آهنگ روح بخش وحی گوش جان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را نواخت که:

«امروز دینتان را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما به پایان رساندم و اسلام را به عنوان دین برایتان پسندیدم» و بدینسان علی علیه‌السلام از جانب خداوند برای جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزیده شد

### افول خورشید نبوت و آغاز فتنه‌ها

پنجشنبه آخر ماه صفر از سال یازدهم هجرت بود که رسول خدا در حالی که سر در دامن علی مرتضی داشت دیده از جهان فروبست مولی‌الله‌السلام خود در این باره می‌فرمایند:

«پیامبر در حالی که سرش بر سینه من بود جان سپرد و بر روی دست من جان از بدن او جدا گشت و من برای تبرک دست بر چهره ام کشیدم آنگاه بدن او را غسل دادم و فرشتگان مرا یاری می‌کردند، گروهی از فرشتگان فرود آمده و گروهی بالا می‌رفتند و همه آنان که بر جسد پیامبر نماز می‌خواندند مرتب به گوش می‌رسید»



در حالی که علی علیه السلام و عده ای از یاران مشغول غسل و کفن رسول خدا بودند دو قبیله اوس و خزرج که سالهای سال با هم رقابت و جنگ و جدال داشتند و اسلام به خصومت آنان پایان داده بود و همگی به انصار معروف بودند در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند تا برای خود امیری برگزینند. خزرجیها شخصیت برجسته ای مثل سعد بن عباده داشتند که کاندیدای امارت بود و اوسیه‌ها از داشتن شخصیتی که همسنگ او باشد محروم بودند و از طرفی بخاطر رقابت دیرینه نمی‌خواستند به او رای دهند و در پی فرصتی می‌گشتند. عمر از ماجرا مطلع شد و با آگاه کردن ابوبکر از جریان هر دو بطرف سقیفه به راه افتادند و در بین راه با ابو عبیده جراح برخورد کردند و وی را نیز با خود همراه نمودند وقتی به آنجا رسیدند عمر با صدای بلند فریاد کرد مگر نشنیده اید که رسول خدا فرمود:

خليفة من از قریش است.

قبیله اوس که منتظر چنین فرصتی بودند گفتند آری شنیده ایم سپس عمر و ابوبکر در حالی که خلافت را به یکدیگر تعارف می‌کردند وارد جمع انصار شدند و عمر دست ابوبکر را به عنوان بیعت فشرده و ابو عبیده و پس از آن مردان قبیله اوس نیز چنین کردند اما خزرجیها بدون بیعت و به عنوان اعتراض سقیفه را ترک نمودند.

پس از ماجرای سقیفه ابو بکر و عمر و ابو عبیده به طرف مسجد روانه شدند و اوسیه‌ها نیز به دنبال آنان به راه افتادند و در بین راه نیز طرفداران دیگری یافتند و بالاخره ابوبکر به عنوان خلیفه رسول خدا بر منبر شد و مهاجرین در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتند و بدین ترتیب خلافت ابوبکر آغاز گردید. اما عده ای از مهاجرین و شخصیت‌های برجسته اسلام و بنی هاشم همراه با علی علیه السلام به عنوان اعتراض، در خانه زهرا متحصن شدند

### طوفان مصیبت

ابوبکر برای اینکه پایه های حکومت خود را استوار نماید لازم بود از متحصنان و معترضان و خصوصا علی علیه السلام بیعت بگیرد به همین جهت عمر را با عده ای مامور کرد که معترضان را برای بیعت به مسجد بیاورند.

عمر همراه با جمعیت در مقابل خانه زهرا آمد و فریاد کرد به خدا سوگند یا خانه را می‌سوزانم یا متحصنان برای بیعت خانه را ترک گویند و چون با مقاومت آنان روبرو شد آتش بر افروخت و به خانه زهرا هجوم برد ماموران خلیفه علی علیه السلام را کشان کشان به طرف مسجد بردند تا به خلافت ابوبکر رای دهد.

در جریان این یورش زهرا سلام الله علیها مجروح گردید و کودک شش ماهه او سقط شد و بر اثر صدمات جسمی و روحی که در این جریان و جریانهای بعدی بر او وارد گردید در بستر بیماری افتاد و به زودی دار فانی را وداع گفت. و علی علیه السلام در میان طوفان حوادث تنها و بی یاور ماند.

### علی و پایداری در کشاکش دوران خلافت

با آغاز خلافت ابو بکر، مولی از یک طرف شاهد به تاراج رفتن حق مسلم خویش بودند و از طرفی نگران وحدت جامعه نوپای اسلامی که بر اثر کوششهای خستگی ناپذیر پیامبر تا بدان پایه رسیده بود و کوچکترین اختلاف و جنگ داخلی می‌توانست چنان آتشی بر افروزد که نهال جوان اسلام را تا ریشه بسوزاند چون از یک طرف روم و ایران و از یک سو قبایل پراکنده عرب که ضرب شصت پیامبر آنان را رام کرده بود و از جانب دیگر منافقان داخلی همگی در پی بهانه ای برای نابود کردن اسلام بودند و مسلم جنگ داخلی می‌توانست همه آنان را به آرزوی دیرینه خود برساند به همین خاطر مولی علیه السلام شمشیر را در غلاف نمود و از حق مسلم خویش گذشت. تنها برای اینکه حجت بر همگان تمام باشد ابتداء از طریق سخنرانی و احتجاج فضایل و برجستگی‌ها و

فداکاری های خویش در راه اسلام و سفارشات پیامبر درباره لیاقت او برای خلافت را به یاد مردم آورد و آنگاه برای اینکه فرصت به دست دشمنان نیفتد سکوت طولانی و جانفرسای خویش را آغاز کرد سکوتی که خود مولی می فرماید همچون خار در چشم و استخوان در گلو بود.

در خلال سالهای سخت سکوت، علی علیه السلام به جمع آوری و تفسیر قرآن و تربیت شاگردانی شایسته و پاسخ به پرسشهای دانشمندان ملل و نحل دیگر و بیان حکم بسیاری از رویدادهای نوظهور و کار و کوشش برای تامین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان پرداخت و برای جلوگیری از فرو ریختن مجد و عظمت اسلام به مشورت خلفاء می نشست و حتی در گرههای کور مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی یگانه مشکل گشای آنان شد.

### بیعت و کرسی امامت

خلیفه سوم بر اثر سوار کردن گروهی از افراد ناشایست اموی بر کرده مردم و تعطیل حدود الهی و ایذاء و ضرب گروهی از اصحاب پیامبر و تبعید برخی دیگر از آنان و تقسیم بیت المال در میان بنی امیه باعث خشم عده زیادی از مسلمین شد و کار به جایی رسید که نقشه کاملاً محرمانه قتل او از ناحیه معاویه با این هدف که پس از کشته شدن او به خونخواهیش برخیزد و از این طریق با ایجاد جو عمومی علیه امام علی جریان خلافت را که به واسطه سوء عملکرد بنی امیه از دستشان خارج شده بود - دوباره به بنی امیه باز گرداند ریخته و اجرا شد.

بدینسان مردم به خانه علی هجوم آورده و خواستار قبول خلافت از ناحیه مولی شدند حضرت ابتداء امتناع نمودند اما وقتی پافشاری و اصرار مردم را مشاهده کردند حجت را بر خویش تمام شده یافتند و برای اینکه بیعت با او پنهانی و ناگهانی نباشد به مسجد رفتند و کلیه مسلمانانی که از مصر و عراق آمده بودند و مهاجرین و انصار مگر عده انگشت شماری، همگی با طوع و رغبت با او بیعت نمودند و مولی از همان آغاز اعلام کرد که حقوق غصب شده را باز می گرداند. بیت المال را بطور مساوی در بین مسلمانان تقسیم می کند و فرمانروایان ناصالح را عزل می نماید.

### رویارویی با ناکثین و فاجعه جمل

پیامبر در دوران حیات خود به علی فرمود:

«ای علی تو با پیمان شکنان و ستمگران و خارجان از دین خواهی جنگید»

پیمان شکنان یا ناکثین گروهی بودند که ابتداء با علی بیعت کردند. سردمداران این گروه طلحه و زبیر بودند که در پوشش احترام عایشه همسر پیامبر و کمکهای بی دریغ بنی امیه سپاهی گران برای تصرف کوفه و بصره ترتیب دادند و خود را به بصره رسانده و آنجا را تصرف کردند امام به تعقیب آنان پرداخت و نبردی میان طرفین بر پا شد که در آن طلحه و زبیر کشته شدند و سپاه آنان متفرق شد و گروهی از آنان به اسارت درآمدند که بعداً مورد بخشش امام علیه السلام قرار گرفتند.

علت مخالفت طلحه و زبیر این بود که آنان فهمیدند در دستگاه علی علیه السلام از بریز و پادشاهای دوران خلافت عثمان وجود ندارد و او پست و مقام بیهوده به کسی نمی دهد و آنان که در دوران عثمان از سفره گسترده بیت المال سیر چریده و شکم برآورده و صاحب مال و منال و خانه و غلام و کنیز شده بودند وقتی که دیدند علی پست به آنها نمی دهد که هیچ، بلکه از این به بعد باید با دیگر مسلمین در استفاده از بیت المال مساوی باشند، علم مخالفت برافراشتند و عایشه را که با علی کینه ای دیرینه داشت با خود همگام نمودند

## واقعۀ صفین

قاسطان یا گروه ستمگران، معاویه و پیروان او بودند حضرت امیر در همان آغاز خلافت تصمیم بر عزل معاویه گرفت. اما او با خدعه و حیله و آفریدن حوادث فریبنده قریب دو سال و بلکه تا پایان عمر امام فکر آن حضرت را به خود مشغول ساخت و نبرد صفین در منطقه ای میان عراق و شام بین او و علی علیه السلام رخ داد که در آن، خون متجاوز از صد هزار مسلمان ریخته شد. سربچی معاویه از بیعت با امام علیه السلام و طغیان او سبب شد که امام با سپاهی گران به سوی او حرکت کند و معاویه نیز مردم شام را برای نبرد با علی علیه السلام آماده کرد و سپاه در منطقه ای میان عراق و شام با هم روبرو شدند امام علیه السلام از روز نخست هدفش این بود که در صورت امکان مساله را بدون خونریزی فیصله دهد اما طغیان معاویه مانع از این کار شد و سرانجام پس از اتمام حجت های فراوان از جانب امام علیه السلام، آتش جنگ شعله ور شد. پس از روزها نبرد و کشتار سپاه دشمن خسته شد و علی علیه السلام تصمیم گرفت که کار جنگ را یکسره سازد.

سرنوشت جنگ در حال پایان پذیرفتن به نفع امام بود و چیزی نمانده بود که خیمه فرماندهی معاویه از طرف سپاه امام برکنده شود که ناگهان معاویه با همکاری عمروعاص حیله ای اندیشید. دستور داد سپاهیان او قرآن‌ها و مصاحیف را بر نوک نیزه‌ها بستند و همگی یکصدا شعار دادند که حاکم میان ما و شما کتاب خداست.

منظره روح انگیز مصاحف عقل و هوش را از بسیاری از سربازان امام ربود و بالاخره حماقت گروهی از اصحاب امام و نیرنگ و نفاق گروهی دیگر سبب شد که مولی علیه السلام جنگ را متوقف نماید و به حکمیت تن در دهد.

ساده لوحان از سپاه امام که تعدادشان کم نبود برای حکمیت بر خلاف نظر امام ابوموسی اشعری را برگزیدند که شخصیتی ساده لوح و سست عنصر بود و از علی نیز دل خوشی نداشت و از طرف دشمن روباه مکاری همچون عمروعاص برگزیده شد و پایان بازی حکمیت فریب خوردن ابوموسی بوسیله عمروعاص بود و نتیجه آن تثبیت موقعیت معاویه و فرصت یافتن او برای تجدید قوا بود

## مواجهه با مارقین و غوغای نهروان

مارقان یا گروه خارج از دین همان خوارج بودند آنان جزو سپاهیان علی علیه السلام و تا پایان نبرد صفین در رکاب آن حضرت می‌جنگیدند اما کارهای فریبنده معاویه و قشری بودن خود آنها سبب شد که بر امام خود بشورند و پس از بازی حکمیت گروه سومی شدند که هم بر ضد امام و در مقابل او ایستادند.

امام علیه السلام با این گروه در منطقه ای به نام نهروان رو به رو شد و پس از اتمام حجت و بازگرداندن عده زیادی از آنان، بقیه را از دم تیغ گذراند و جمع آنان را متفرق نمود

## غروب خورشید در مغرب سجدگاه

پس از نبرد نهروان و درهم شکستن خوارج و فراری شدن گروهی از آنان در مکه گرد آمدند و تصمیم بر قتل علی علیه السلام گرفتند. عبدالرحمن بن ملجم مرادی مامور قتل علی علیه السلام گردید و با همین نیت آهنگ کوفه نمود در کوفه با دختری بنام قطام آشنا شد و دل بر او بست و از او خواستگاری نمود و او قبول خود را مشروط به قتل علی علیه السلام نمود و این خواسته، ابن ملجم را در کار خود مصمم تر نمود لذا شمشیری تهیه کرد و آنرا با زهری مهلک آب داد و سرانجام در سحرگاه نوزدهم رمضان در حالی که مولی علیه السلام در محراب عبادت سر بر سجده نهاده بود چنان شمشیر زهر آلود خود را بر فرق او فرود آورد که زهر

شمشیر تا مغز سر مولی رسید و قامت عدالت خمیده و همای تیزپرواز آسمان ولایت در خون خود طپید و ندای فزت و رب الکعبه اش در مسجد کوفه پیچید.

در مورد شهادت مولی علیه السلام گفته اند:

قُتِلَ فِي مَحْرَابِ الْعِبَادَةِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ آری پافشاری علی در اجرای حق و منحرف نشدن او از صراط مستقیم و اصرار او در اعمال عدالت و منحرف نشدن از آن در هیچ شرایطی و به بهانه هیچ مصلحتی سبب شهادت آن حضرت گردید.

دشمن طاوس آمد پَرّ او

ای بسا شه را که کشتش فرّ او

گفت من آن آهوم کز ناف من

ریخت آن صیاد خون صاف من

### حق گزایی

نخستین افتخار علی علیه السلام پیشگام بودن وی در پذیرفتن اسلام و به عبارت صحیحتر ابراز و اظهار اسلام دیرینه خویش بود. بسیاری از محدثان و تاریخ نویسان نقل می کنند که پیامبر اکرم روز دوشنبه به رسالت مبعوث شد و علی علیه السلام فردای آن روز ایمان آورد.

پیامبر صلی الله علیه و آله مدت سه سال از دعوت عمومی خودداری کرد و تنها از رهگذر ملاقاتهای خصوصی با افراد قابل و شایسته توانست گروه معدودی را به آیین جدید الهی هدایت کند. تا اینکه سرانجام پیک وحی فرا رسید و از جانب خدا فرمان داد که پیامبر دعوت همگانی خود را از طریق دعوت خویشاوندان و بستگان آغاز کند، پیامبر اکرم دعوت علنی را با دعوت خویشاوندان خود شروع کرد و در جلسات ضیافت علی علیه السلام تنها کسی بود که پشتیبانی خود را از هدف مقدس پیامبر اعلام کرد. در این موقع، پیامبر دست خود را بر دست علی زد و فرمود:

هان ای خویشاوندان و بستگان من بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست.

### لیله المبیت

دیگر از افتخارات حضرت امیر علیه السلام ماجرای لیله المبیت است. لیله المبیت گرچه شب بود و تاریک اما در تاریخ پرافتخار زندگی علی علیه السلام از روشنترین و درخشانترین لحظات است و در کتاب گرانقدر عمر او مستندترین فصلی است که حاکی از عشق بی شائبه وی به محمد صلی الله علیه و آله می باشد و از آنجائی آغاز می شود که بدنبال رحلت بزرگترین پشتیبان پیامبر، ابوطالب، و مهربانترین انیس او خدیجه در سال دهم بعثت، مشرکین فشار و شکنجه را بر پیامبر و یارانش افزونتر می کنند تا جائی که در سال سیزدهم بعثت سران قریش در یک شورای عمومی و سرّی عزم خود را بر قتل پیامبر جزم می نمایند و از هر قبیله یک نفر انتخاب می شود تا همگی در شبی مقرر به خانه او هجوم برده و وی را در بستر خواب قطعه قطعه نمایند تا هم خیالشان از بابت او راحت شود و هم خون وی در بین قبائل پخش گردد و بنی هاشم قادر به خونخواهی او نباشند.

فرشته وحی پیامبر را از توطئه با خبر می کند و او تصمیم به هجرت از مرکز توطئه می گیرد اما لازم بود کسی در آن شب در بستر پیامبر بجای او بخوابد تا مشرکین سرگرم شده و پیامبر از فرصت استفاده کرده هر چه بیشتر خود را از مکه دور کند. تنها کسی که این افتخار بزرگ نصیبش شد و بی هیچ تعلل بار سنگین این مسئولیت بزرگ را بر دوش خود کشید علی علیه السلام بود و این فداکاری بی نظیر چنان مقبول آفریدگار جهان واقع می شود که با زیباترین و رساترین عبارت آنرا در کتاب جاودانش ثبت می نماید

که تا جهان باقی است جهانیان بخوانند و در بیابان ضلالت حیران نمانند.

«در میان مردم کسانی هستند که متاع جان را به نقد خشنودی جانان می‌فروشند و جان آفرین را بر بندگان بسی مهربانی است»

## جمع آوری کتاب الهی و احادیث پیامبر خدا

در تمام دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله کتابت وحی و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی یکی از کارهای حساس علی علیه السلام بود و اساسا آن حضرت نخستین دبیر اسلام به شمار می‌رود، ایشان همچنین سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره احکام و فرائض و آداب و سنن و اخبار غیبی همگی ضبط کرده و به صورت شش کتاب از خود به یادگار گذاشت که پس از شهادت او در نزد فرزندان آن حضرت نگهداری می‌شد

## رشادت ها

پرشورترین بخش از زندگی علی علیه السلام جنگهای قهرمانانه اوست، هیچ انسان با انصافی نمی‌تواند تاثیر شگرف بازوی توانای علی را در برچیده شدن بساط شرک از جزیره العرب انکار نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله در طی زندگی خویش ۸۰ غزوه داشته اند که علی در همه آنها شرکتی چشمگیر داشت تنها در غزوه تبوک به دستور پیامبر و برای جلوگیری از شورش احتمالی منافقان در مرکز اسلام، در مدینه اقامت گزید و در همین ماجراست که حمله تاریخی پیامبر در مورد او صادر می‌شود نسبت تو با من همچون نسبت هارون با موسی است جز اینکه پس از من پیامبری نمی‌باشد در بیشتر سربیه‌ها نیز حضور داشت و حتی در برخی از آنها رهبری جنگ بر عهده او بود.

و اینک برخی از دلآوری های او:

در غزوه بدر آن حضرت با وجود سن کم در میان سایر قهرمانان همچون بدر بود در میان ستارگان، اگر می‌خواهی دلآوری او را در بدر بدانی نگاه کن به سخن او در نامه ای که در دوران حکومتش به معاویه علیه الهاویه نوشته ای معاویه شمشیری که با آن جد و دایی و برادر تو را به خاک و خون کشیدم هنوز با من است «العاقل یکفیه الاشارة»

در غزوه احد احدی همچون او مقاومت نکرد در ابتدای نبرد نه تن از دلاور مردان قریش که یکی پس از دیگری برخاستند و علم را برافراشتند به دست توانای علی علیه السلام بر خاک نشستند و پرچم را از دست بگذاشتند و همین موجب انهزام لشکر قریش در ابتدا و انتهای جنگ شد.

در خیبر یدالله از آستین اسدالله برون آمد و دژ تسخیرناپذیر قموص را درهم شکست و «موجب» پهلوان پرتوان یهود در زیر ضربات شمشیر شهاب گونه او به خاک و خون نشست و برای همیشه علی علیه السلام فاتح خیبر نامیده شد.

در شبی که فردایش آن حضرت خیبر را فتح نمود پیامبر فرمود:

فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که هرگز پشت به دشمن نمی‌کند او کسی است که خدا و رسول او را دوست می‌دارند و خداوند این دژ را به دست او می‌گشاید.

در خندق علی علیه السلام به مصاف قهرمان بی بدیل عرب، عمرو بن عبدود که با نعره های هل من مبارزش رعشه بر اندام مسلمانان افکنده بود، رفت و پیامبر فرمود:

امروز تمام ایمان در مقابل تمام شرک قرار گرفته و در حق علی چنین دعا فرمود:

خداوندا علی را از بدی حفظ فرما خدایا در بدر عبیده و در احد شیر خدا حمزه را از من گرفتی خداوندا علی را از آسیب حفظ فرما و آنگاه این آیه را تلاوت کرد:

«رب لا تذرني فردا و انت خير الوارثين»

و هنگامی که قهرمان عرب در زیر شمشیر قهار علی به خاک افتاد پیامبر عمل آن حضرت را چنین ارزیابی کرد:  
«ضربه ای که علی در خندق بر دشمن فرود آورد از عبادت جهانیان برتر است»

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

